دانش نامهٔ جهان

JAMIA HAMDARD CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
Acc. No. 12
Date

۱۳/۱

یا فتاح

رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر

انسان

سزاوار ستایش و سپاس مبدعیست که باقتضای ذاتی که در انسان
صاحب نوامیس الهی با رکن معرفت جوهر بسیط شریف مدرک با
بالذات و سیار ملکوتات که بلسان حکیم باسم عقل کل خوانده شد
یافته و بتوسط این جوهر جهت تفصیل ظهور جوهر دیگر بسیط بر آمد که
که باسم نفس کل بلسان زده حکما شده متعین دانسته و این نفس کل ملکی
و ملکی و نفسی اختراع نموده در میان ماده و صورت ترکیب داده تا هر را
وجود بخشند و حرارت ~~را باتش و برودت و رطوبت و یبوست~~ را
در انسان ودیعت نهاد و حرارت را باتش و برودت را باب و رطوبت را
باهوا و یبوست را بخاک مخصوص گردانید و از چهار کیفیت حرارت و
برودت را قوت فعل بخشید و رطوبت و یبوست را قوت انفعال بخشید و

فعل را

فعل حرارت بتلطیف و تلوین آمد و فعل برودت بتکثیف و تعقید
و رطوبت بسبب قبول هیات و اشکال گشت و یبوست بسبب حفظ
و استمساک اشکال و از تفاعل عناصر امزاجهای مختلف پیدا گردید
و بحسب امزجه مختلفه انواع مرکبات را که کلیات آن معادنست و نبات
و حیوان بظهور آورد و هر یک از ایشان را بنفسی مخصوص گردانید و نفس
ناطقه که اشرف نفوس است انسان را داد تا حقایق معقولات را ادرا
دریابد و خواص این نوع را بشرف نبوت و حکمت برگزید و سرور
انبیا محمد صلی الله علیه و آله و سلم را باصناف الطاف مشرف کرد اما بعد
بعد از قیام باداء شطری از سپاس مبدع مینماید این کمترین بندگان
خاندان نبوی غیاث الدین علی بن علی امیران الحسینی الاصفهانی که
بر بزرگان جهان روشنست که سرمایه نفس نفیس انسانی عمر است که او
در معرض فنا و زوالست و دفع این آفت فنا که بر طبیعت بر مثل نفس
ذائقة الموت که لازم طبیعی است ممتنع و محال و اعتقاد نه بنا بر این حرز متمسک
باید شد صیانت و رای باقی طرق فی حقیقتند در استنباط اسباب
اسباب سعادت تا قائم مقام ثمره عمر ایشان بود و پس از انسان نام ماند

طبیع

چنانچه بدین معنی صاحب شرع خبر داد که الدنیا مزرعة الاخرة و
اهل طریق مستقیم را آثار خیر و افعال پسندیده و ذکر جمیل و نام نیکو دانسته
اند که آنچه ازان در مدت حیات کسب نموده بعد از عقب ماند کار مینماید
چنانچه بدین معنی حدیث مصطفوی ناطق است که اذا مات ابن آدم انقطع
عمله الا من ثلث علم ینتفع به الناس و صدقة جاریة فی سبیل الله و ولد صالح یدعو له بخیر
بعد موته و بر صدق این مقال در اخبار لغات الصحف مینویسند که روزی
در ایام مجاورت ارسطاطالیس حکیم اسکندر را گفت که خدای
ترا عمر جاودانی دهاد اسکندر ذو القرنین گفت ای حکیم از خدای چیزی
خواستی که اجابت آن محال است حکیم گفت لا بد شاه عمر جاودانی و نام نیکو
نیست من از خدای خلود ذکر تو خواستم و اجابت این دعا محال نیست
و موید صدق این مقال است آنکه مخصصان در بیان آنچه اسکندر ذو القرنین
آب حیات یافته گفته اند که آن آب حیات علم شایسته و سیرت پسندیده
است که هر کرا این حاصل شود آثار نیکوی او جاودان بماند چون
کلمات سعادت فکر از زبان عقل بسمع دل ارباب وصول رسید خرد
آن نه مناسبت اطوار پسندیده کرد اقدام نمود به ترتیب این فواید

جاریة در

از علم حکمت طبیعی که دانستن آن طبیعتها نزدیکتر است و رغبتها
بدان بیشتر و از خردمندان زیرکی که بتحقیق و مطالعه آن اقدام نماید
بی احتیاج باندیشهای بسیار و فکرهای قوی آثار بر معانی دقیق صد آن واقف
و مطلع گردد و این شعبه ایست از علم حکمت که حکما آنرا علم آثار علوی
خوانده اند که در آن از کیفیت بخارات و دخان و باد و صاعقه و کواکب منقضه
و ذوات اذناب و ابر و رعد و برق و باران و برف و تگرگ و شبنم و
قوس قزح و هاله و آتشی که پیدا شدن زلزله و آب چشمه و کاریز
و چاه و پیدا شدن کانها مثل لعل و یاقوت و طلا و نقره و مس
و قلعی و سرب و آهن و خارصینی و توتیا و سیماب و گوگرد و نظایر
اینها و تعلیم نبات و علم حیوان و علم انسان و ذکر بعضی از نکات
و با ایراد تشریح اعضای انسان قسمت کرده و آنرا باسم دانش نامه جهان
مخصوص گردانید و در بیان ترتیب آن تمهید مینماید بر جمله ده فصل و
اصل و چهار نتیجه و خاتمه مثنوی برآمایی دلم را تازه کردان
خردم را بلند آوازه کردان عروسی را که زد در دم یکتا نفس
مبارک روی کردان در جهان‌بین فصل اول در بیان سر بر آمدن

عقل کلی و نفس کلی بر سبیل اجمال فصل دوم در بیان عدد برآمدن افلاک
و ترتیب ایشان فصل سیوم در بیان گردش افلاک و حرکت دوری هر یک
فصل چهارم در بیان پیدا شدن عناصر و مکان هر یک فصل پنجم در بیان
تقسیم عناصر فصل ششم در بیان کیفیات که لازمهٔ عناصر اند فصل هفتم
در بیان طبقات عناصر فصل هشتم در بیان شکل افلاک و عناصر و چگونگی
ایستادن زمین فصل نهم در معنی سیال و خفیف جسم فصل دهم در بیان
تقسیم جسم بسیط و مرکب اصل اول در استحالات عناصر اصل دوم در
سبب پیدا شدن بخار و دخان اصل سیوم در بیان پیدا شدن باد اصل
چهارم در بیان پیدا شدن ابر اصل پنجم در بیان تولد باران
اصل ششم در بیان شدن برف اصل هفتم در بیان پیدا شدن تگرگ
اصل هشتم در بیان حدوث شبنم اصل نهم در بیان پیدا شدن رعد
اصل دهم در پیدا شدن برق اصل یازدهم در پیدا شدن صاعقه
اصل دوازدهم در بیان پیدا شدن کواکب منقضه و شهب و شهاب
ثاقب و کواکب ذوات الاذناب و کواکب ذوات الذوائب
اصل سیزدهم در بیان علامات حمره علامات حمره اصل چهاردهم در بیان

مقاله دوم در بیان [illegible]